

### کلمه‌بازی در سفر

محمد طلوعی در زیر سقف دنیا ما را به هشت شهر دنیا می‌برد

معاشرت می‌کند. به خاطر می‌سپارد و از یاد نمی‌برد و بعد از گذشتن از همه راه‌ها باز به رشت و سرزمین مادری برمی‌گردد. در تمام این مسیر مخاطب را با قلم زیبا و پرداختن به جزئیات با خود همراه می‌سازد. در حقیقت زیر سقف دنیا ورود به دنیای ذهنی و واقعی طلوعی است. در میانه رشت تا رشت، در چند شهر دور و نزدیک با نویسنده همسفر می‌شویم. تهران، استانبول، دمشق، پاریس، بیروت، پالمو، سارونو و آمستردام، شهرهایی هستند که دیده یا ندیده و شناخته یا ناشناخته به آنها دعوت می‌شویم. نویسنده در همه آنها غریبه است. یک غریبه که برای زندگی و زنده ماندن تلاش می‌کند.

اما در هر شهر به آدم‌های آن پرداخته است. آدم‌هایی که در واقع شهر با آنها ساخته شده است. در همه بخش‌های «زیر سقف دنیا» آنچه بعد از بدنه شهر خودنمایی می‌کند ساکنین شهرها هستند. آدم‌ها هستند که به شهر جلوه می‌دهند و داستان‌ها را می‌سازند. در هر شهری که در بخش‌های مختلف در آن مکث می‌شود. سرخوشی‌ها، اندوه‌ها و هیجانات را می‌توان همراه ساکنین آن شهر تجربه کرد. آنچنان که با خلق و خوی آنها نزدیکی پیدا کرد، با دیدن یک چشمک سریع و مخفیانه یا

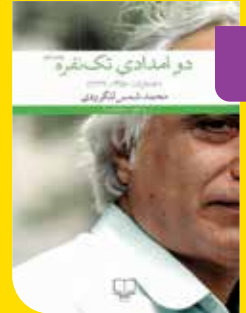
با گذاشتن و این حضور با کسب جایزه ادبی واو و جایزه شهید غنی‌پور به حضوری باثبات منجر شد؛ حضوری که با مجموعه داستان «من ژانت نیستم» که برایش جایزه گلشیری را به ارمغان آورد و «هفت گنبد» که در جایزه ادبی بوشهر برنده جایزه کتاب اول سال شد، ادامه یافت. طلوعی، نویسنده‌ای است که مداوم می‌نویسد. طلوعی یک نویسنده واقعی است که دست از نوشتن برنمی‌دارد. نویسنده‌ای که به غیر از نوشتن رمان و داستان کوتاه، که تبحر خاصی در آن دارد، بر نوشتن این گونه روایات واقعیت‌محور یا همان ناداستان نیز مداومت دارد که در مجلات مختلف شاهد آن بوده هستیم.

«زیر سقف دنیا» در رشت شروع می‌شود و در رشت پایان می‌گیرد. طلوعی درباره رشت می‌گوید: «رشت برای من زمان است به جای مکان دوران آزادی فکری است و از همه مهم‌تر دوران ساخته شدن من به عنوان یک کلمه‌باز. اما شاید بهتر است بگویم رشت برای من اندوه جدا افتادن همیشگی زندگی در خانه‌ای شیشه‌ای است.» در این مسیر رشت تا رشت؛ در مقصدهای گوناگون پیاده می‌شود؛ بزرگ می‌شود؛ تجربه می‌کند. خود را گم و پیدا می‌کند و با آدم‌های تاثیرگذار و رهگذر زندگی

#### مهسا شمس‌پور نویسنده و روزنامه‌نگار

«زیر سقف دنیا» داستانی واقعیت‌محور یا همان ناداستانی از محمد طلوعی است. داستان‌های واقعیت‌محور روایتی شخصی هستند از میان خاطرات نویسنده یک کتاب. آن چنان که پرده از موضوعات شخصی و اتفاقات خصوصی در زندگی نویسنده برمی‌دارند. نویسنده بی‌پرده از رویدادها و اتفاقات زندگی خود می‌گوید. بخش بزرگی از زندگی نویسنده، از اعتقادات نویسنده، و دنیایی که در آن سیر می‌کند، پیش روی مخاطب قرار می‌گیرد. هر چند در این نوع کتاب‌ها، ابتدا، میانه و پایانی مشابه داستان‌ها نداریم، اما مخاطب می‌تواند از متصل کردن وقایع آن به یکدیگر، به هدف نویسنده از نگاشتن آن پی ببرد. طلوعی در «زیر سقف دنیا» جست‌وجو و گریخته و به طور پراکنده گوشه‌هایی از سفرهای زندگی شخصی خود را در قالبی از نوشتار به تحریر درآورده است. «زیر سقف دنیا» گاه شبیه یک روزنگاری است و گاهی مخاطب تصور می‌کند که در حال خواندن یک گزارش سفر است. محمد طلوعی در سال ۸۶، با «قربانی باد موافق» به دنیای نویسندگی

#### دو امدادی تک‌نفره



نویسنده: شمس لنگرودی  
ناشر: چشمه

کتاب «دو امدادی تک‌نفره: خاطرات ۱۳۵۷-۱۳۲۹» روایت محمد شمس لنگرودی از سال‌هایی است که او در حال فهم و کشف جهان بوده و عشق، سیاست، هنر و ادبیات زندگی‌اش را آرام آرام در خود فرورده و شمس شاعر را ساخته است. شمس لنگرودی در دو امدادی تک‌نفره با همان ایجاز و ساده‌گویی و در عین حال عمقی که از او سراغ داریم، هر آنچه تا انقلاب ۵۷ بر زندگی‌اش گذشته را در فصل‌هایی کوتاه و در عین حال گیرا روایت کرده که عجیب خواندنی است.

#### نانوشته



نویسنده: علی شاهی  
ناشر: نو

علی شاهی در «نانوشته» به بررسی خیالی «دن کیشوت در عصر هوش مصنوعی» می‌پردازد. علی شاهی در اثر خود چنین متصور شده که اگر سروانتس، خالق رمان مشهور «دن کیشوت»، چهار قرن پیش تصور می‌کرد که روزی یک موجود با هوش مصنوعی تلاش می‌کند تا خطوطی مشابه او ثبت کند، آن وقت دلش می‌خواست که چه جمله‌هایی را مرقوم کند؟

#### مترجم بودن



عظیم جابری  
ناشر: درون

عظیم جابری در حوزه سینما و فلسفه و ادبیات آثار بسیاری ترجمه کرده است. کتاب حاضر تجربیات اوست، آن طور که خودش می‌گوید: ترجمه یعنی عاشق واژه‌ها بودن، من عاشق کلمات هستم، عاشق شکلشان وقتی روی کاغذ می‌آیند، عاشق روحشان، دلالت‌های مختلفشان، معناهای اول و دوم و سومشان، عاشق امکان استفاده از مترادف‌ها هستم، عاشق اینم که از بین کلمات مختلف می‌توان دست به انتخاب زد.

